

قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای

1400/12/25

شماره 113700/11-358

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سیدابراهیم رئیسی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره 62808/57902 مورخ 1399/6/5 در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (123) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ 1400/11/10 و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر قالیباف

1400/12/28

شماره 172115

وزارت امور اقتصادی و دارایی

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست «قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای» که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ دهم بهمن ماه یک هزار و چهارصد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ 1400/12/4 به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره 113700/11-358 مورخ 1400/12/25 مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجرا ابلاغ می گردد.

با توجه به اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجرای مفاد موافقتنامه منوط به انجام تشریفات مندرج در ماده (8) موافقتنامه می باشد.

رئیس جمهور - سیدابراهیم رئیسی

## قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا

به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و  
جلوگیری از فرار مالیاتی

## **در مورد مالیات های بردرآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای**

**ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات های بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای مشتمل بر یک مقدمه و (30) ماده به شرح پیوست تصویب و به دولت اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.**

**تبصره 1- هزینه های مالی موضوع ماده (11) موافقتنامه، مجوز دریافت یا پرداخت غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی شود.**

**تبصره 2- رعایت اصول هفتاد و هفتم (77)، یکصد و بیست و پنجم (125) و یکصد و سی و نهم (139) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای این موافقتنامه الزامی است.**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران  
و دولت جمهوری غنا**

# **به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی**

**در مورد مالیات های بر درآمد، سرمایه و  
عواید سرمایه ای**

**دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت  
جمهوری غنا با تمایل به انعقاد موافقتنامه  
ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و  
جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای  
بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای به شرح  
زیر توافق نمودند:**

## **ماده 1- اشخاص مشمول موافقتنامه**

**این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که  
مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها  
باشند.**

## **ماده 2- مالیات های موضوع موافقتنامه**

**1- این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمد،  
مالیات بر سرمایه و عواید سرمایه ای است  
که صرف نظر از نحوه اخذ آنها از سوی هر  
دولت متعاقد، تقسیمات فرعی سیاسی یا  
مقامات محلی آنها وضع می گردد.**

**2- مالیات بر درآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای عبارت است از تمامی مالیات های وضع شده بر کل درآمد، کل سرمایه و کل عواید سرمایه ای یا اجزای درآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای، از جمله مالیات بر درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.**

**3- مالیات های موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:**

**الف) در مورد جمهوری اسلامی ایران:**

**(1) مالیات بر درآمد:**

**- مالیات بر درآمد مستغلات؛**

**- مالیات بر درآمد حاصل از کشاورزی؛**

**- مالیات بر درآمد حقوق؛**

**- مالیات بر درآمد مشاغل (کسب و کار)؛ و**

**- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی.**

**(2) مالیات بر دارایی.**

**ب) در مورد جمهوری غنا:**

**(1) مالیات بر درآمد؛ و**

**(2) مالیات بر عواید سرمایه ای.**

**4. این موافقتنامه شامل مالیات هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات های موجود مورد اشاره در بند (3) این ماده بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.**

**ماده 3- تعاریف کلی**

**1- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است:**

**(الف)**

**(1) اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود؛**

(2) اصطلاح «جمهوری غنا» به قلمرو جمهوری غنا از جمله مناطق هوایی، دریای سرزمینی و مناطق خارج از دریای سرزمینی اطلاق می شود که جمهوری غنا مطابق حقوق بین الملل نسبت به آن حقوق صلاحیت و حاکمیت در اکتشاف و بهره برداری از منابع طبیعی بستر دریا، زیر بستر و آبهای مجاور آن را داشته باشد؛

(ب) اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری غنا اطلاق می شود؛

(پ) اصطلاح «شخص» اطلاق می شود به:

(1) شخص حقیقی،

(2) شرکت یا هر مجموعه دیگری از اشخاص؛

(ت) اصطلاح «شرکت» اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود؛

(ث) اصطلاح «دفتر ثبت شده» به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می باشد؛

**ج) اصطلاح «مؤسسه یک دولت متعاهد» و «مؤسسه دولت متعاهد دیگر» به ترتیب به مؤسسه ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاهد و مؤسسه ای که به وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می گردد اطلاق می شود؛**

**چ) اصطلاح «حمل و نقل بین المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، قایق یا وسایط نقلیه هوایی اطلاق می شود که توسط مؤسسه ای که محل مدیریت مؤثر آن در یک دولت متعاهد قرار دارد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق یا وسایط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در یکی از دو دولت متعاهد استفاده شود؛**

**ح) اصطلاح «تبعه» به مفهوم زیر است:**

**(1) هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاهد را داشته باشد،**

**(2) هر شخص حقوقی یا انجمنی که وضعیت قانونی خود را از قوانین جاری در یک دولت متعاهد کسب کرده باشد.**

**خ) اصطلاح «مقام صلاحیتدار»:**

**(1) در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می شود؛**

**(2) در مورد جمهوری غنا به رئیس کل اداره درآمدهای مالیاتی غنا یا نماینده مجاز او اطلاق می شود.**

**2- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای بکار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیات های مشمول این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد و معنای مزبور نسبت به معانی اطلاقیه به اصطلاح مذکور به موجب سایر قوانین دولت متعاقد مربوط ارجحیت خواهد داشت.**

**ماده 4- مقیم**

**1- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت و تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن خواهد بود، با وجود این**



اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ درآمد، سرمایه یا عواید سرمایه ای از منابع یا سرمایه واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می شود.

2- در صورتی که حسب مقررات بند (1) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف) او صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی)؛

ب) هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچیک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، صرفاً مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می برد؛

پ) هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد بسر برد یا در هیچ یک بسر نبرد، صرفاً مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد؛

ت) هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت متعاقد را نداشته باشد و در صورتی که نتوان بر اساس بندهای پیشین او را مقیم یکی از دولتهای متعاقد تلقی کرد، موضوع با توافق متقابل مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد حل و فصل خواهد شد.

3- در صورتی که شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

## ماده 5 - مقر دائم

1- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابت کسب و کار اطلاق می شود که از طریق آن فعالیت های یک مؤسسه کلاً یا جزئاً انجام می گردد.

2- اصطلاح «مقر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف) محل اداره؛

ب) شعبه؛

پ) دفتر؛

**ت) کارخانه؛**

**ث) کارگاه؛**

**ج) معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره برداری از منابع طبیعی.**

**3. کارگاه ساختمانی، طرح (پروژه) ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، «مقردائم» محسوب می شوند ولی فقط در صورتیکه این کارگاه، طرح یا فعالیت ها بیش از شش ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.**

**4. علی رغم مقررات قبلی این ماده، انجام فعالیت های زیر توسط مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر به عنوان فعالیت از طریق «مقر دائم» تلقی نخواهد شد:**

**الف) استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه؛**

**ب) نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش؛**

**پ) نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر؛**

**ت) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه؛**

**ث) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات، تهیه اطلاعات یا تحقیقات علمی برای آن مؤسسه و یا سایر فعالیتهایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد؛**

**ج) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.**

**5 - علی رغم مقررات بندهای (1) و (2) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (6) است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیت هایی که این شخص برای آن انجام**

می دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (4) باشد، که در این صورت آن فعالیت ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

6 - مؤسسه یک دولت متعاهد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاهد دیگر از طریق حق العمل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می پردازد، در آن دولت دیگر دارای مقر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. معذک، هرگاه فعالیت های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این عامل و آن مؤسسه در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

7- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاهد دیگر را پایش (کنترل) می کند یا تحت پایش (کنترل) آن قرار دارد یا در آن دولت

دیگر فعالیت تجاری انجام می دهد (خواه از طریق مقرر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقرر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

## ماده 6 - درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

1- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاهد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

2- اصطلاح «اموال غیر منقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتی ها، قایق ها و وسایط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

**3- مقررات این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.**

**4- مقررات بندهای (1) و (3) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.**

## **ماده 7- درآمدهای تجاری**

**1- درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر می شود.**

**2- با رعایت مقررات بند (3) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هریک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی می شود که اگر به صورت مؤسسه ای متمایز و مجزا و**

کاملاً مستقل از مؤسسه ای که مقر دائم آن است به فعالیت های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می توانست تحصیل کند.

3- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرایی و هزینه های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه ها به طور معقولی برای مقاصد کسب و کار مقر دائم صورت گرفته است، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است انجام پذیرد یا در جای دیگر. معذک، چنانچه مبالغی (به غیر از بازپرداخت هزینه های واقعی) توسط مقر دائم به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن به عنوان حق الامتياز، حق الزحمه یا سایر پرداختهای مشابه در ازای استفاده از حق انحصاری اختراع یا سایر حقوق، یا به عنوان حق العمل، برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت، یا به عنوان هزینه مالی وام اعطا شده به مقر دائم (به استثناء مؤسسات بانکی) پرداخت شده باشد، به عنوان هزینه قابل قبول محسوب نخواهد شد. همچنین در تعیین منافع یک مقر دائم مبالغ هزینه شده (به غیر از بازپرداخت هزینه های واقعی) توسط مقر دائم برای دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن به عنوان حق الامتياز، حق



الزحمه يا ساير پرداخت هاى مشابه در ازاي استفاده از حق انحصاري اختراع يا ساير حقوق، يا به عنوان حق العمل، براي خدمات خاص انجام شده يا براي مديريت، يا به عنوان هزينه مالي وام اعطا شده به دفتر مركزي مؤسسه يا ساير دفاتر آن (به استثناء مؤسسات بانكي) محاسبه نخواهد شد.

4. چنانچه در يك دولت متعاهد روش متعارف براي تعيين درآمد قابل تخصيص به مقر دائم بر اساس تسهيم كل درآمد مؤسسه به بخشهاي مختلف آن باشد، مقررات بند (2) مانع به کاربردن روش تسهيمي متعارف آن دولت متعاهد، براي تعيين درآمد مشمول ماليات نخواهد شد. در هر حال نتيجه روش تسهيمي متخذه بايد با اصول اين ماده تطابق داشته باشد.

5 - صرف آنكه مقر دائم براي مؤسسه جنس يا کالا خريداري مي كند، موجب منظور داشتن درآمد براي آن مقر دائم نخواهد بود.

6 - درآمد منظور شده براي مقر دائم سال به سال به روش يكسان تعيين خواهد شد، مگر آنكه دليل مناسب و كافي براي اعمال روش ديگر وجود داشته باشد.

**7- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، مفاد این ماده خدشه ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.**

## **ماده 8 - حمل و نقل بین المللی**

**1- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی ها، قایق ها یا وسایط نقلیه هوایی، در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است. درآمد مزبور شامل درآمد حاصل مؤسسه بابت استفاده، نگهداری یا اجاره بارگنجهای مورد استفاده در حمل و نقل کالا یا اجناس در حمل و نقل بین المللی خواهد بود مشروط بر آنکه استفاده، نگهداری یا اجاره مزبور، حسب مورد، نسبت به استفاده از کشتی ها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین المللی جنبه اتفاقی داشته باشد.**

**2- در صورتی که محل مدیریت مؤثر مؤسسه کشتیرانی بر عرشه کشتی قرار داشته باشد، چنین تلقی خواهد شد که محل مذکور در دولت متعاهدی قرار دارد که بندر اصلی کشتی در آن واقع است، یا در صورت نبود**

بندر اصلی، در آن دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که گرداننده کشتی مقیم آن است.

3- مقررات بند (1) در مورد درآمد حاصل از مشارکت در اتحادیه، کسب و کار مشترک یا نمایندگی فعال بین المللی نیز نافذ خواهد بود، اما فقط به آن قسمت از منافع حاصله که قابل انتساب به شریک به نسبت قدرالسهم آن در فعالیتهای مشترک باشد.

## ماده 9- مؤسسات شریک

### 1- در صورتی که:

الف) مؤسسه یک دولت متعاهد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، پایش (کنترل) یا سرمایه مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد،

یا

ب) اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، پایش (کنترل) یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشند،

و در هر یک از دو مورد، شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو

**مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.**

**2- در صورتی که یک دولت متعاهد درآمدهایی که در دولت متعاهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاهد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می شد، در این صورت آن دولت متعاهد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.**

## **ماده 10- سود سهام**

**1- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر**

**مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.**

**2- معذک این سود سهام ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتیکه دریافت کننده، مقیم دولت متعاهد دیگر بوده و مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد:**

**الف) پنج درصد (5%) مبلغ ناخالص سود سهام در صورتی که مالک منافع، شرکتی (به جز مشارکت) باشد که حداقل ده درصد (10%) سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را مستقیماً در اختیار داشته باشد.**

**ب) شش درصد (6%) مبلغ ناخالص سود سهام در تمام موارد دیگر.**

**این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می شود نخواهد داشت.**

**3- اصطلاح «سود سهام» به کار رفته در این ماده اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسين یا سایر حقوق به استثنای**

مطالبات دیون، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می گردد.

4- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (1) و (2) جاری نخواهد بود. در این صورت مقررات مواد (7) یا (15)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

5 - در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از موافقی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا موافقی که

سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با مقرر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر (باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود.

## ماده 11- هزینه های مالی

1- هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

2- معذک، این هزینه های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع هزینه های مالی باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (5%) مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد.

3- اصطلاح «هزینه های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای

وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می گردد. جریمه های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه های مالی محسوب نخواهد شد.

4. علی رغم مقررات بند (2)، هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که توسط دولت متعاقد دیگر، وزارتخانه ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می باشند، کسب می شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

5. هرگاه مالک منافع هزینه های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه های مالی از بابت آن پرداخت می شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (1) و (2) اعمال



نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات مواد (7) یا (15) مجری خواهد بود.

6 - هزینه های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، تقسیمات فرعی سیاسی، مقام محلی، یا مقیم آن دولت باشد. معذک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد و در ارتباط با دینی که هزینه های مالی به آن تعلق می گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه های مالی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه های مالی مذکور، در دولت متعاهد محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

7- در صورتی که به دلیل وجود رابطه ای خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی،

طبق قوانین هریک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

## ماده 12- حق الامتیازها

1- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

2- معذک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد مالیات متعلقه بیش از پنج درصد (5%) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

3- اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، ترکیب ساخت (فرمول) یا فرآیند سری یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی یا استفاده یا حق

**استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می شود.**

**4. هرگاه مالک منافع حق الامتياز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتياز حاصل می شود از طریق مقرر دائم فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتياز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (1) و (2) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات مواد (7) یا (15) مجری خواهد بود.**

**5. حق الامتياز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، تقسیمات فرعی سیاسی، مقامی محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. معذک در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتياز، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقرر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجود حق الامتياز به نحوی مؤثر با آن مقرر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت حق الامتياز بر عهده مقرر دائم یا**

پایگاه ثابت مذکور باشد، حق الامتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقرر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

6 - چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتیاز پرداخت می شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در اینگونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

### ماده 13- حق الزحمه خدمات فنی

1- حق الزحمه خدمات فنی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

2- معذک، این حق الزحمه خدمات فنی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق

قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی و مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از ده درصد (10%) مبلغ ناخالص حق الزحمه خدمات فنی نخواهد بود.

3. اصطلاح «حق الزحمه خدمات فنی» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجوه پرداختی، غیر از موارد مذکور در مواد (12)، (15)، و (16) این موافقتنامه، در ازای خدمات مدیریتی یا فنی یا مشاورهای از جمله رایه خدمات کارکنان فنی یا سایر کارکنان اطلاق می شود.

4. هرگاه مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که حق الزحمه خدمات فنی حاصل میشود از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت متعاهد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و تعهدی که حق الزحمه خدمات فنی بابت آن پرداخت می شود به طور مؤثر با مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور مرتبط باشد، مقررات بندهای (1) و (2) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب

**مورد، مقررات ماده ( 7 ) یا ماده (15) مجری خواهد بود.**

**5 -**

**(الف) حق الزحمه خدمات فنی در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، تقسیمات فرعی سیاسی، مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. معذک، در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الزحمه خدمات فنی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که تعهد پرداخت حق الزحمه خدمات فنی مرتبط با آن بوده و پرداخت این حق الزحمه خدمات فنی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت حق الزحمه خدمات فنی مزبور در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.**

**(ب) در صورتی که حسب جزء (الف) حق الزحمه خدمات فنی در یکی از دولتهای متعاقد حاصل نشده باشد و حق الزحمه خدمات فنی مرتبط با خدمات انجام شده در یکی از دولتهای متعاقد باشد، چنین تلقی**

**خواهد شد که حق الزحمه خدمات فنی در آن دولت متعاقد حاصل شده است.**

**6 - در صورتی که به دلیل وجود رابطه ای خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ حق الزحمه خدمات فنی پرداختی از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر دولت متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.**

## **ماده 14- عواید سرمایه ای**

**1- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (6) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.**

**2- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت**

متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

3- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتی ها، قایق ها یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها، قایق ها یا وسایط نقلیه هوایی، فقط مشمول مالیات دولت متعهده خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

4- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارایی آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

5 - عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (1)، (2)، (3) و (4) فقط مشمول مالیات دولت متعهده که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.



## **ماده 15- خدمات شخصی مستقل**

**1- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه ای یا سایر فعالیت‌های دارای ماهیت مستقل، فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه:**

**الف) این شخص به منظور انجام فعالیت‌های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود.**

**ب) جمع مدتی که این شخص در یک یا چند دوره در دولت متعاقد دیگر بسر برده در هر دوره دوازده ماهه که در سال مالی مربوطه شروع یا پایان یافته برابر یا بیشتر از 183 روز باشد؛ در این صورت، این درآمد فقط تا حدودی که حاصل از انجام فعالیت وی در آن دولت متعاقد دیگر باشد، می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.**

**2- اصطلاح «خدمات حرفه ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، کارشناسان،**

**وکلاى دادگستري، معماران، دندانپزشکان و  
حسابداران مى باشد.**

## **ماده 16- خدمات شخصى غير مستقل**

**1- با رعايت مقررات مواد (17)، (19)، (20) و (21) اين موافقتنامه، حقوق، مزد و ساير حق الزحمه هاى مشابهى كه مقيم يك دولت متعاقد به سبب استخدام دريافت مى دارد فقط مشمول ماليات همان دولت مى باشد مگر آنكه استخدام در دولت متعاقد ديگر انجام شود چنانچه استخدام بدين گونه باشد حق الزحمه حاصل از آن مى تواند در آن دولت متعاقد ديگر مشمول ماليات شود.**

**2- على رغم مقررات بند (1)، حق الزحمه مقيم يك دولت متعاقد به سبب استخدامى كه در دولت متعاقد ديگر انجام شده فقط مشمول ماليات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنكه:**

**الف) جمع مدتى كه دريافت كننده در يك يا چند نوبت در آن دولت متعاقد ديگر به سر برده است از (183) روز، در هر دوره دوازده ماهه اى كه در سال مالى مربوط شروع يا خاتمه مى يابد تجاوز نكند؛ و**

**ب) حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم آن دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود؛ و**

**پ) پرداخت حق الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد.**

**3- علی رغم مقررات یاد شده در این ماده، حق الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد در زمینه استخدام در کشتی، قایق یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.**

### **ماده 17- حق الزحمه مدیران**

**حق الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.**

### **ماده 18- هنرمندان و ورزشکاران**

1- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقی دان یا به عنوان ورزشکار بابت انجام فعالیت های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می نماید، علی رغم مقررات مواد (15) و (16) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

2- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد علی رغم مقررات مواد (7)، (15) و (16) مشمول مالیات دولت متعهده می شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گردد.

3- درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت انجام فعالیت ها در چارچوب موافقتنامه فرهنگی یا ورزشی میان دو دولت متعاقد تحصیل می نماید از شمول بندهای (1) و (2) این ماده مستثنی می باشد.

## ماده 19- حقوق بازنشستگی

1- با رعایت مفاد بند (2) ماده (20)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته

**فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.**

**2- معهذا حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه، مشروط بر آنکه پرداخت توسط مقیم آن دولت دیگر یا مقرر دائم واقع در آن دولت صورت گیرد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر نیز می شود.**

**3- علی رغم مقررات بند (1)، حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به موجب طرحهای عمومی که قسمتی از نظام تأمین اجتماعی یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن است، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.**

## **ماده 20- خدمات دولتی**

**1- حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه پرداختی، به جز حقوق بازنشستگی، توسط یک دولت متعاهد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیمات فرعی یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.**

**معذک، در صورتی که خدمات در آن دولت دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت**

انجام شود، این حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص:

(الف) تبعه آن دولت متعاهد دیگر بوده، یا

(ب) صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

2- حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاهد و یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت، تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به فردی در خصوص خدماتی که برای آن دولت یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی مزبور انجام داده است فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود. معذک، در صورتی که شخص حقیقی مقیم و تبعه دولت متعاهد دیگر باشد حقوق مزبور صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

3- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه و مقرری های بازنشستگی پرداختی در خصوص فعالیتهای تجاری که یک دولت متعاهد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می

**دهد مقررات مواد (16)، (17)، (18) و (19) مجری خواهد بود.**

**ماده 21- محصلین، مدرسین و محققین**

**1- وجوهی که محصل یا کارآموزی که مقیم یک دولت متعاقد باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر بسر می برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.**

**2- همچنین، حق الزحمه دریافتی توسط مدرس یا محقق که مقیم یک دولت متعاقد بوده و به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی و فرهنگی برای یک دوره یا دوره هایی که از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد دیگر بسر می برد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.**

**این بند در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات چنانچه تحقیقات مزبور برای اشخاص و مؤسساتی انجام شود که**

**دارای اهداف تجاری می باشند، مجری نخواهد بود.**

**3- محصل یا کارآموز مذکور در بند (1)، در خصوص اعطای فرصتها و رتبه های تحصیلی و حقوق دریافتی بابت استخدامی که مشمول بند (1) قرار نمی گیرد، در طول دوران تحصیل یا کارآموزی خود همچنین از همان معافیتها، بخشودگی ها یا تخفیف مالیاتی مقرر برای مقیمین دولت متعاهد محل عزیمت خود برخوردار خواهد بود.**

## **ماده 22- سایر درآمدها**

**1- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.**

**2- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (2) ماده (6) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد مزبور، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن**



حاصل شده است با این مقر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (1) مجری نخواهد بود. در این صورت، حسب مورد، مقررات ماده (7) یا ماده (15) اعمال خواهد شد.

## ماده 23- سرمایه

1- سرمایه متشکل از اموال غیرمنقول مذکور در ماده (6) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع شده، می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

2- سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دائمی که مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد می باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می باشد، می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

3- سرمایه متشکل از کشتی ها، قایق ها و وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها، قایق ها

**و وسایط نقلیه هوایی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه مزبور در آن واقع است.**

**4. کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.**

## **ماده 24. آیین حذف مالیات مضاعف**

**1. در جمهوری اسلامی ایران مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد شد:**

**الف) در صورتی که مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمد یا عواید سرمایه ای حاصل کند و یا سرمایه ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت جمهوری غنا شود، دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد:**

**(1) مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در جمهوری غنا از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.**

**(2) مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه و یا عواید سرمایه ای پرداختی در جمهوری غنا از مالیات بر سرمایه و یا عواید سرمایه ای آن مقیم کسر شود.**

معذک در هریک از دو مورد، اینگونه کسور نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد، سرمایه و یا عواید سرمایه ای تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

ب) در صورتی که طبق هریک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم جمهوری اسلامی ایران از مالیات ایران معاف باشد، جمهوری اسلامی ایران می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه و یا عواید سرمایه های این مقیم، درآمد، سرمایه و یا عواید سرمایه ای معاف شده را منظور کند.

2- در جمهوری غنا مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد شد:

الف) مالیات پرداختنی در ایران طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و مطابق با مقررات این موافقتنامه، خواه به طور مستقیم (از طریق تشخیص) یا از طریق کسر (تکلیفی)، نسبت به درآمد، منافع یا عواید مشمول مالیات از منابع جمهوری اسلامی ایران (در مورد سود سهام، به استثنای مالیات پرداختنی بابت درآمدهایی که سود سهام از ناحیه آن پرداخت می شود) به عنوان اعتباری در برابر مالیات غنا بابت همان درآمدها، منافع یا عواید مشمول مالیات مزبور پذیرفته

**خواهد شد که مالیات ایران بابت آنها محاسبه شده است؛**

**(ب) در مورد سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم جمهوری اسلامی ایران به شرکت مقیم غنا که حداقل و به طور مستقیم پایش (کنترل) بیست و پنج درصد (25%) از سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را در اختیار دارد، در محاسبه اعتبار مزبور (علاوه بر هرگونه مالیات ایران که بابت آن اعتبار مطابق مفاد جزءهای بند (1) پذیرفته شده) مالیات پرداختی در ایران توسط شرکت بابت درآمدهایی که سود سهام از ناحیه آن پرداخت می شود منظور می گردد؛**

**(پ) در هر صورت، مبلغ اعتبار مالیاتی قابل اعطا طبق این بند از سهم مالیات غنا که درآمدها، منافع یا عواید مشمول مالیات مزبور حسب مورد از کل درآمدها، منافع یا عواید مشمول مالیات غنا دارند تجاوز نخواهد کرد.**

**ماده 25- عدم تبعیض**

**1- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین تر یا غیر از مالیات یا**

الزاماتی است که اتباع دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط به ویژه از حیث اقامت مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (1)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

2- مالیاتی که از مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر اخذ می شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاهد دیگر که همان فعالیت ها را انجام می دهند نامساعدتر باشد.

3- مؤسسات یک دولت متعاهد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در پایش (کنترل) یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می باشد، در دولت نخست مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

4- به جز در مواردی که مقررات بند (1) ماده (9)، بند (7) ماده (11)، یا بند (6) ماده (12) اعمال می شود، هزینه های مالی، حق امتیاز و سایر هزینه های پرداختی توسط

مؤسسه یک دولت متعهد به مقیم دولت متعهد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعهد به مقیم دولت متعهد دیگر از لحاظ تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می شد.

5 - این مقررات به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعهد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسئولیت های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می نماید به اشخاص مقیم دولت متعهد دیگر نیز اعطاء کند.

## ماده 26- آیین توافق دوجانبه

1- در صورتی که مقیم یک دولت متعهد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، صرفنظر از طرق احقاق حق پیش بینی شده در قوانین داخلی

دولت‌های مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (1) ماده (25) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

2- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. هرگونه توافق حاصله صرفنظر از هرگونه محدودیت زمانی در قانون داخلی دولت‌های متعاقد مجری خواهد بود.

3- مقامات صلاحیتدار دولت‌های متعاقد تلاش خواهند کرد که تمامی مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دو جانبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

**4. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد می توانند به منظور توسعه آیین ها، شرایط، روش ها و فنون مقتضی برای اجرای آیین توافق دو جانبه مندرج در این ماده و حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً یا از طریق کمیسیون مشترک متشکل از نمایندگان خویش با یکدیگر ارتباط حاصل کنند.**

## **ماده 27- تبادل اطلاعات**

**1. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی دولتهای متعاقد غیر مغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیات های مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. ماده (1) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود.**

**2. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می شود، به همان شیوه ای که تحت قوانین داخلی آن دولت اطلاعات بدست آمده به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که با امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگیری ارتباط دارند یا در مورد پژوهش خواهی های مربوط به مالیات**



های مشمول این موافقتنامه تصمیم گیری می کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

3- مقررات بند (1) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد؛

الف) اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید؛

ب) اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست؛

پ) اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

4- با رعایت محدودیتهای مذکور در بند (3) فوق الذکر، هرگاه اطلاعات توسط یک دولت متعاهد مطابق این ماده درخواست شود،

دولت متعهد دیگر باید تدابیر جمع آوری اطلاعات خود را به منظور تحصیل اطلاعات درخواستی مزبور به کار گیرد.

ماده 28- اعضای هیأت های نمایندگی و مأموریت های سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالیاتی اعضای هیئت های نمایندگی و مأموریت های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده 29- لازم الاجراء شدن

هر یک از دولتهای متعهد طرف دیگر را از طریق مجاری سیاسی از تکمیل مراحل مقرر در قوانین خود جهت لازم الاجراء شدن این موافقتنامه مطلع خواهد نمود. این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن در مورد آن قسمت از درآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا بعد از آن حاصل می شود یا موجود است به مورد اجراء گذارده خواهد شد.

## ماده 30- فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ نشده لازم الاجراء خواهد بود. هر یک از دولتهای متعاهد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با رایه یادداشت فسخ حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجراء می گردد فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در مورد آن قسمت از درآمد، سرمایه و عواید سرمایه ای که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت فسخ تسلیم شده است یا بعد از آن موجود باشد یا حاصل شود، اعمال نخواهد شد.

این موافقتنامه در آکرا در دو نسخه در تاریخ 1396/08/25 هجری شمسی برابر با 16/11/2017 میلادی به زبانهای فارسی و انگلیسی تنظیم گردید که هر دو متن از اعتبار یکسان برخوردار است.

برای گواهی مراتب بالا، امضاکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به طور مقتضی مجاز می باشند، این موافقتنامه را امضا نمودند.

از طرف دولت  
از طرف

دولت

جمهوری اسلامی ایران  
جمهوری غنا

محمود حجتی  
کن افوری اتا

وزیر جهاد کشاورزی  
وزیر دارایی

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و سی ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ دهم بهمن ماه یکهزار و چهارصد مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ 1400/12/4 به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر  
قالیاف